
اشتیاق جونینیو در شروع لوشامپیونا ۲۴

رکورد مدوید مهم نیست ۲۵

می‌توانستیم لاتزیو را هم ببریم ... ۲۶

سرمربی در سوریه ۲۶

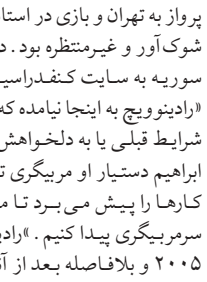


خبر آخر

کناره‌گیری مربی حریف ایران

مهر: میروسلاو رادینوویچ مربی تیم ملی فوتبال سوریه به طور ناگهانی با این تیم قطع همکاری کرد. اگرچه بحث اختلافات مالی در روزهای آخر کمی بالا گرفته بود اما چنین تصمیمی در حالی که سوریه برای پرواز به تهران و بازی در استادیوم آزادی آماده می‌شود شوک‌آور و غیرمنتظره بود. دبیرکل فدراسیون فوتبال سوریه به سایت کنفدراسیون فوتبال آسیا گفت: «رادینوویچ به اینجا نیامده که قراردادش حتماً با همان شرایط قبلی یا به دلخواهش تمدید شود. از امروز ابراهیم دستیار او مربیگری تیم را به عهده می‌گیرد و کارها را پیش می‌برد تا ما فرد مناسبی را برای سرمربیگری پیدا کنیم.» رادینوویچ ۶۲ساله از اوت ۲۰۰۵ و بلافاصله بعد از آنکه با تیم زیر ۱۹ سال سوریه به مرحله یک شانزدهم بازی‌های ۲۰۰۵ قهرمانی زیر ۱۶ ساله‌های جهان صعود کرد مربی تیم اصلی سوریه شد. تیم او در آن بازی‌ها در مرحله یک هشتم با باخت به برزیل از دور رقابت‌ها کنار رفت. سرهان دبیرکل فدراسیون فوتبال سوریه افزود: «فکر نمی‌کنم این تغییرات اثری در کار تیم داشته باشد و اعتقاد داریم که اتفاقاً برای بازی با ایران ابراهیم توانایی بیشتری برای مربیگری سوریه دارد.» سوریه هم‌اکنون در اردوی تارتوس است و قرار است که روز ۱۴ مرداد با لیبی دیدار دوستانه داشته باشد.

لیست تیم ملی، آخر هفته



ایسنا: اسامی نهایی بازیکنان تیم ملی برای بازی با سوریه پنجشنبه اعلام می‌شود. به گفته امیر قلعه‌نویی: «اردوی تیم ملی از امروز به صورت شبانه‌روزی ادامه می‌یابد و در طول هفته تمرینات تیم ملی وارد مرحله فشرده‌تری می‌شود.» امیر قلعه‌نویی با انتقاد از بروز اختلاف در میان هواداران تیم ملی بر اثر مسائل باشگاهی نیز گفت: تیم ملی ایران به تمام مردم تعلق دارد و تمامی هواداران باید نگاه ملی داشته باشند، در حال حاضر من سرمربی تیم ملی هستم و فارغ از هر رنگی به تیم ملی فکر می‌کنم، امیدوارم تمامی مردم دست به دست یکدیگر دهند تا تیم ملی موفق باشد. وی در مورد تعداد کادر فنی تیم ملی ایران نیز گفت: از این میان تنها ۵ نفر اعضای اصلی کادر فنی هستند و سایرین وظایف اجرایی، مشاوره‌ای و پزشکی را بر عهده دارند و من مشکلی در این کار نمی‌بینم.

جلسه مهم سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک

امروز روز شهامت است

گروه ورزش: امروز قرار است در ساختمان سفید خیابان سئول درباره مهمترین تصمیم‌های ورزشی سال مذاکره مبسوطی انجام شود. در یک طرف میز سران کمیته ملی المپیک خواهند نشست و روبه‌روی آنها هم سران سازمان تربیت‌بدنی حضور خواهند یافت تا در نهایت فهرست فدراسیون‌های شرکت‌کننده در بازی‌های آسیایی دوحه تصویب شود. گرچه تا به حال در مورد اعزام تیم‌ها و نفرات برای بازی‌های آسیایی بحث و گفت‌وگوی مفصلی انجام شده اما با توجه به نزدیک شدن آخرین مهلت برای تیم‌های اعزامی به دوحه، به‌نظر می‌رسد که این جلسه چکیده جلسات پیشین و مهمترین آنها خواهد بود.

قرار است امروز سیاست‌های سازمان و کمیته ملی المپیک برای اعزام کاروان ورزشی ایران هماهنگ شود درحالی که بحث مدال‌آوری و الزام روی سکو رفتن ورزشکاران هنوز هم شرط اصلی فرستادن ورزشکاران به میدان کارزار تلقی می‌شود. امروز معلوم می‌شود که آیا تغییراتی در تفکر سازمان و کمیته ملی المپیک پدیدار شده یا آنکه سنگ بزرگ «مدال بگیری» زیر پای بعضی از ورزشکاران خواهد افتاد.

■ **نگاه کلی**

کمیته ملی المپیک هفته قبل اعلام کرد که براساس سه محور قصد دارد برای اعزام تیم‌ها به دوحه برنامه‌ریزی کند. در درجه اول ورزش‌هایی هستند که قطعاً شانس مدال دارند و به همان نسبت در مورد اعزام آنها هم شک و شبهه‌ای وجود ندارد.

این بخش از فدراسیون‌ها شامل مدال‌آوران با سابقه و پدیده‌های جدید خواهند بود. واضح است که کاروان ورزش ایران باشد. این واهمه البته چندان هم بی‌راه نیست اما اگر پیش از اعزام به مسابقات، سطح توقع مردم با وضعیت فعلی تیم‌های پایه ایران هماهنگ شود قاعدتاً دامنه این دلزدگی و انتقاد به میزان قابل تحملی تنزل خواهد کرد.

در واقع انتشار اخبار شفاف و روشن از آخرین وضعیت ورزشکاران پایه ایران، آن هم از سوی سازمان و کمیته المپیک خودبه‌خود از نگرانی‌ها خواهد کاست. خوشبختانه ورزش‌های پایه معمولاً رکوردی هستند و مقیاس دقیقی از آنها موجود است. رکوردهای ورزشکاران تنها با ممارست و سعی و تلاش چندساله ترقی خواهد کرد و بر همین مبنا می‌شود در مورد آنها به پیش‌بینی نسبتاً دقیقی دست زد.

اما فارغ از این مسائل به نظر می‌آید که در شرایط فعلی بهترین روش برای کمک به پیشرفت ورزش‌های پایه، تلاش برای ایجاد تیم‌های قوی به همراه تعداد مورد نیاز وادارد. اما به نظر می‌آید که در این شرایط بایستی تغییراتی در افکار سران ورزشی ایران صورت بگیرد و آنها شهامت و جسارت بیشتری برای استفاده در ورزش‌های پایه از خود نشان دهند.

■ **پایه**

با بررسی جدول مسابقات و تعداد مدال‌ها مشخص می‌شود که حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ مدال از هر سه رنگ به ورزش‌های دوومیدانی، شنا، قایقرانی، ژیمناستیک و تیراندازی خواهد رسید. یعنی یک تیم کامل و قوی در یکی از این رشته ممکن است به اندازه کل کاروان یک کشور دیگر مدال بگیرد.

این طور که پیدا است قرار است در کاروان ورزشی حتماً نمایندگانی از دوومیدانی، شنا، ژیمناستیک و تیراندازی حضور داشته باشند و سطح خود را نسبت به میدان آسیا بسنجند. اما از قرار معلوم در مورد تعداد ورزشکاران در این رشته‌ها بحث و جدل وجود دارد. نگرانی‌های سازمان و کمیته ملی المپیک این است که نکند با اعزام کاروان بزرگی از ورزشکاران ایران به همان اندازه نیز توقع عمومی بالا رود و این حجم از توقع مردمی پس از نتیجه نگرفتن ورزشکاران تبدیل به موجی سهمناک از انتقادات به سران ورزش ایران باشد. این واهمه البته چندان هم بی‌راه نیست اما اگر پیش از اعزام به مسابقات، سطح توقع مردم با وضعیت فعلی تیم‌های پایه ایران هماهنگ شود قاعدتاً دامنه این دلزدگی و انتقاد به میزان قابل تحملی تنزل خواهد کرد.

در واقع انتشار اخبار شفاف و روشن از آخرین وضعیت ورزشکاران پایه ایران، آن هم از سوی سازمان و کمیته المپیک خودبه‌خود از نگرانی‌ها خواهد کاست. خوشبختانه ورزش‌های پایه معمولاً رکوردی هستند و مقیاس دقیقی از آنها موجود است. رکوردهای ورزشکاران تنها با ممارست و سعی و تلاش چندساله ترقی خواهد کرد و بر همین مبنا می‌شود در مورد آنها به پیش‌بینی نسبتاً دقیقی دست زد.

اما فارغ از این مسائل به نظر می‌آید که در شرایط فعلی بهترین روش برای کمک به پیشرفت ورزش‌های پایه، تلاش برای ایجاد تیم‌های قوی به همراه تعداد مورد نیاز ورزشکار باشد. بهتر است سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک درباره اعزام ورزش‌های پایه اصل مدال‌آوری را کنار بگذارند و اجازه دهند که همه بضاعت ایران در این رشته‌ها عازم مسابقات مهمی مثل بازی‌های آسیایی شود. به طور مثال چه اشکالی دارد که به جای ۶ یا ۷ نفر دونده یا ۶ نفر شناگر حداقل ۲ برابر این تعداد به دوحه اعزام شوند. مگر نه این است که برای به دست آوردن یک مدال در فوتبال حداقل باید ۳۰ نفر به مسابقات اعزام شوند پس چرا در مورد ورزش‌های پایه این گشاده‌دستی وجود ندارد. خدا را شکر اوضاع مالی ورزش ایران هم که بد نیست و بودجه‌ها نسبت به سال‌های قبل بهتر شده‌اند و فضایی بهتر از مسابقات هم برای هزینه کردن نیست.

موضوع مهم اینجا است که در ورزش‌های پایه با اعزام تعداد بیشتری ورزشکار شانس رشد و ترقی به همان نسبت بالا می‌رود. به طور مثال در رشته پرمدالی مثل شنا فرستادن تیمی محدود به ۴ یا ۵ نفر باعث خستگی مفرط آنها شده و حتی شانس حضور در فینال که به نظر می‌آید قدم رو به جلوی شنای ایران محسوب می‌شود، به این ترتیب به مخاطره می‌افتد. اعزام محدود در رشته شنا باعث می‌شود که شناگران برتر ایران علاوه بر خستگی ناشی از حضور در چند رشته، گاهی در ماده‌های غیرتخصصی خود نیز شنا کنند که در آن صورت هم خسارت دیگری در انتظار آنها است.

در دو و میدانی هم گاهی پیش آمده که قهرمانان پرتاب و دوهای نیمه استقامت گاهی مجبورند در ماده‌های غیرتخصصی خود مسابقه دهند که بعضاً با آسیب‌دیدگی‌هایی نیز مواجه شده‌اند. بنابراین سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک باید در بحث ورزش‌های پایه بیشتر در اندیشه ایجاد فرصت و جلب توجه عمومی باشند و از نرفتن روی سکو نترسند. ورزش‌های پایه در ایران در شرایط فعلی دوران گذار را پشت سر می‌گذارند و باید تک‌چهره‌های این وادی را ضمن حمایت در معرض رقابت با حریفان داخلی قرار داد تا سطح کیفی آنها باز هم بالاتر برود.

■ **بانوان**

بی‌تردید وجه تبلیغاتی ورزش این روزها یکی از مهمترین وجوه آن در دنیا محسوب می‌شود. تمامی کشورها در مسابقات مهمی چون جام جهانی و المپیک سعی می‌کنند ورزشکاران خود را به عنوان سمبل و نماد شرایط اجتماعی خود به دنیا نشان دهند و با این حربه زوایای پنهان جامعه خود را آشکار سازند. در روزهایی که موج تبلیغات منفی علیه ایران در مجامع بین‌المللی در گرفته به نظر می‌رسد که باید از فرصت‌هایی مثل بازی‌های آسیایی حداکثر استفاده را برد.

این طور که پیدا است بانوان ورزشکار ایرانی برای مسابقات آسیایی دوحه با سهمیه بیشتری نسبت به ادوار گذشته روبه‌رو هستند اما با توجه به رشد قابل توجه ورزش‌های بانوان در چهار سال اخیر به نظر می‌رسد که این سهمیه می‌تواند دو برابر هم بشود. بانوان ورزشکار ایران حالا در رشته‌های تیمی مثل فوتبال هم نشانه‌های روشنی از ترقی را به نمایش گذاشته‌اند و می‌توان آنها را به‌عنوان سمبل دختران و زنان موفق امروز ایران به عرصه مسابقات فرستاد. هر چند در مورد نتایج و کسب مدال‌های احتمالی هم دلایل واضحی وجود دارد که بانوان ایران شانس زیادی در بالا رفتن از سکوها ندارند اما به هر حال از وجه تبلیغی آنها برای ورزش ایران نمی‌توان به سادگی گذشت. بی‌تردید دختران ورزشکار ایران و نوع پوشش آنها همه نظرها را به خود جلب خواهد کرد و با این روش می‌توان آینده موفق‌تری را برای ورزش بانوان در ایران رقم زد.

برای بانوان ورزشکار ایران صرف شرکت در مسابقات بین‌المللی افتخار محسوب می‌شود و نباید ذهن آنها را با فشارهای بیهوده از جمله «مدال‌آوری الزامی» مغشوش و پراکنده کرد. در عین حال که اتفاقاً در بعضی از رشته‌ها مثل تکواندو و فوتبال حتی شانس مدال هم وجود دارد. نقطه آغاز موفقیت‌های ورزش بانوان در ایران دقیقاً از چهار سال قبل و مسابقات آسیایی بوسان آغاز شد، آن هم در جایی که نمایندگان دختران ورزشکار ایران در تکواندو و تیراندازی روی سکو رفتند و همه را شگفت‌زده کردند. بی‌تردید در این دوره هم ورزشکاران زن ایرانی روی سکو خواهند بود و کل ورزش ایران به وجود آنها افتخار خواهند کرد.

■■■

امروز روز سرنوشت‌سازی برای ورزش ایران است. سران سازمان و کمیته ملی المپیک در موقعیت ویژه‌ای قرار دارند و اگر تصمیم مناسبی بگیرند اسباب ترقی و جهش ورزش را فراهم خواهند ساخت. اگر نگرانی‌هایی از جنس از دست دادن صندلی ریاست و موقعیت نباشد و آرامش لازم در تصمیم‌گیری‌های اینچنینی وجود داشته باشد، آن‌وقت می‌شود گفت که خیلی از ورزشکاران ایران به حقشان که همانا حضور در بازی‌های آسیایی است خواهند رسید. امروز روز شهامت و شجاعت است.

نکته

۱- قرار است امروز سیاست‌های سازمان و کمیته ملی المپیک برای اعزام کاروان ورزشی ایران هماهنگ شود درحالی که بحث مدال‌آوری و الزام روی سکو رفتن ورزشکاران هنوز هم شرط اصلی فرستادن ورزشکاران به میدان کارزار تلقی می‌شود.

۲- در ورزش‌های پایه با اعزام تعداد بیشتری ورزشکار شانس رشد و ترقی به همان نسبت بالا می‌رود. به طور مثال در رشته پرمدالی مثل شنا فرستادن تیمی محدود به ۴ یا ۵ نفر باعث خستگی مفرط آنها شده و حتی شانس حضور در فینال که به نظر می‌آید قدم رو به جلوی شنای ایران محسوب می‌شود، به این ترتیب به مخاطره می‌افتد.

دقیقه صفر

حواشی دردناک بازی دوستانه

خطر دو دستگی در تیم ملی

در بازی تدارکاتی چهارشنبه تیم ملی آنچه بیش از بازی نه چندان جالب تیم ملی نگران‌کننده شد، دودستگی و اختلاف شدید بین تماشاگران بود. طرفداران استقلال و پرسپولیس در طول بازی تا آنجایی که توانستند به جان هم افتادند و کار حتی به درگیری فیزیکی هم کشید.

چند سالی بود که شاهد چنین درگیری‌هایی در بین تماشاگران تیم ملی نبودیم اما به نظر می‌رسید در حال حاضر این مسئله مهمترین خطری است که تیم ملی را تهدید می‌کند و می‌تواند عواقب بدی برای تیم داشته باشد. حضور امیر قلعه‌نویی و ۸ بازیکن استقلال در تیم ملی باعث شده که آبی‌ها تیم ملی را از آن خود بدانند و در آن سو قرمزها حالتی منفعلانه نسبت به تیم گرفته‌اند. در بازی تدارکاتی تیم ملی و راه‌آهن این مسئله به اوج خود رسید به گونه‌ای که طرفداران متعصب استقلالی که در این روزها به مشتری‌های پروپا قرص و دائمی تمرین تیم ملی تبدیل شده‌اند با شعار «حمله، حمله، حمله، استقلال کوبنده» به حمایت از تیم ملی پرداختند و این حرکت نه چندان متعارف آبی‌ها کافی بود که درگیری‌های لفظی تماشاگران دو طرف را به برخورد فیزیکی مبدل سازد.

قبل از این اتفاق هم طرفداران قرمز دل خوشی از تیم ملی نداشتند گویی تیم ملی ایران برای آنها تیم غریبه و بیگانه‌ای است. غیبت بازیکنان پرسپولیس در تیم ملی و قرار گرفتن حریف دیرینه آنها در موضع اکثریت، تماشاگران را به دو دسته تقسیم کرده و این مسئله در تمرینات تیم ملی در روزهای گذشته به وضوح دیده شده، پرسپولیسی‌ها یا بر سر تمرین نمی‌آیند و یا اگر هم بیایند خبری از تشویق تیم ملی نیست. اگر قرار باشد این دودستگی و اختلاف به بازی‌های رسمی تیم هم کشیده شود و در ۲۵ مردادماه در بازی ایران و سوریه، پرسپولیسی‌ها به جای حمایت از تیم ملی ساز خودشان را بزنند مشکلات بسیار بزرگی برای تیم به وجود می‌آید.

یکی از کارهای مهمی که در حال حاضر امیر قلعه‌نویی و مسئولان تیم ملی باید انجام بدهند از بین بردن این اختلافات است. در پنج سال گذشته کمتر دیده شده که تماشاگران در بازی‌های تیم ملی مخصوصاً دیدارهای مهم بحث قرمز و آبی را به حمایت از تیم ملی ترجیح دهند. در سال ۱۳۸۰ تیم ملی بدون حتی یک پرسپولیسی به مصاف عربستان رفت اما اتفاقاتی از این دست نیفتاد و در زمان برانکو نیز به دفعات تیم ملی بدون نمایندگان استقلال و پرسپولیس برابر حریفان خود قرار گرفت اما اعتراض شدیدی از سکوها شنیده نشد.

درست است که برانکو در بین این تماشاگران آنچنان محبوب نبود اما این مسئله باعث نمی‌شد که هواداران فوتبال به تیم ملی خود پشت کنند و حالتی تدافعی اتخاذ کنند. اما این نگرانی در این روزها وجود دارد که در حین بازی ایران و سوریه دسته‌ای از تماشاگران به جای تشویق تیم ملی به تسویه‌حساب‌های رنگی خود بپردازند. اولین اقدامی که برای از بین بردن این فضای نه چندان جالب باید انجام داد این است که فضای تمرینات تیم ملی را از این وضعیت خارج کرد. لیدرهای آبی باید در تشویق‌های خود عدالت و انصاف را رعایت کنند. یکی از ملی‌پوشان قدیمی تیم ملی در روزهای گذشته در گلایه از فضای تیم ملی گفته بود «تماشاگران تیم ملی تدارکاتچی تیم ملی را که از استقلال آمده تشویق می‌کنند اما یک‌بار هم مرا تشویق نکردند. انگار نه انگار که من پنج سال است در تیم ملی‌ام.» با هدایت این تماشاگران خیلی از مشکلات حل می‌شود. از طرفی اگر بازیکنان پرسپولیس و لژیونرهایی مثل کریمی و مهدوی‌کیا نیز به تیم اضافه شوند دیگر پرسپولیسی‌ها با تیم ملی احساس غریبگی نمی‌کنند و تیم را متعلق به خودشان نیز می‌دانند و طبیعتاً از موضع انفعالی خارج می‌شوند.

اگر قلعه‌نویی بتواند با سیاست و ظرافتی خاص این کارها را انجام دهد و کمی برابر پرسپولیسی‌ها نرمش نشان دهد و دل طرف مقابل را هم به دست بیاورد خود به خود این اختلافات به حداقل می‌رسد. اگر در روز بازی ایران - سوریه تماشاگران قرمز ببینند که در ترکیب تیم ملی رنگ خاصی مدنظر قرار نگرفته و مهدی مهدوی‌کیا کاپیتان تیم ملی است دیگر به خودشان اجازه نمی‌دهند که نسبت به تیم ملی کشورشان بی‌تفاوت باشند و فراموش می‌کنند که مربی تیم ملی یک استقلالی است.

به هر حال با این اقدامات می‌توان این مشکل را حل کرد در غیر این صورت از همین حالا می‌توان پیش‌بینی کرد که در ۲۵ مردادماه چه وضعیت نامطلوبی بر سکوهای تماشاگران حاکم خواهد شد. حتی شاید کار به جایی بکشد که قلعه‌نویی آرزو کند از این به بعد کمتر تیم ملی در تهران به میدان برود. این خطر را باید جدی گرفت و حلش کرد. نباید قبل از حریف از خودمان ضربه بخوریم.